



عراق و مقتدی صدر

به قلم دکتر فریبرز صارمی پژوهشگر روابط بین الملل

سوالی که بار دیگر پیش روی سیاستمداران عراقی و البته ایران و آمریکا، نحوه برخورد با مقتدی صدر است. فرض این است که او یک مشکل است، چیزی که باید درمان یا با آن برخورد شود. اما این تفسیر دست کم گرفتن او و طرز فکرش است. صدر معتقد است که او تنها نماینده سیاسی مشروع جمعیت شیعه عراق است و بنابراین باید بر دولت مسلط شود. این باور ناشی از سوابق و تجربیات او در عراق است. او داماد آیت الله محمد باقر صدر، پدرخوانده جنبش‌های سیاسی شیعه در عراق و معلم پدرش است. پدرش، آیت الله محمد الصدر، احیای اسلام‌گرایی شیعی را در دهه ۱۹۹۰ رهبری کرد و در سال ۱۹۹۹ توسط رژیم صدام ترور شد. اما دیدگاه‌های او در تضاد با سیاستمداران شیعه‌ای است که پس از سال ۲۰۰۳ به عراق بازگشتند و توسط آمریکایی‌ها به قدرت رسیدند و توسط ایرانی‌ها حمایت شدند. آن‌ها معتقدند که صدری‌ها جزء کوچکی از جمعیت شیعه هستند، اتحاد سیاسی با ایران در خدمت منافع استراتژیک است و احزاب شیعه باید در زمان انتخابات و تشکیل دولت متحد عمل کنند تا به آن‌ها قدرت چانه زنی بیشتری بدهند. صدر از حمایت مردمی عظیمی برخوردار است - میلیون‌ها نفر که از نظر فرهنگی، مذهبی، سرزمینی و سیاسی صدری هستند، هرچند شاید پیروی سرسپرده مقتدی صدر نباشند. این درک از جمعیت گسترده‌تر صدری و تمایز از جریان فعال سیاسی صدر برای او واضح است، اما برای دیگران گیج کننده است. موفقیت صدری‌ها در انتخابات اکتبر ۲۰۲۱ به نظرش اعتبار داد که او پادشاه سیاسی شیعیان عراق است. صدر در هر مرحله احساس می‌کند که توسط متحدان به او خیانت شده و تحت فشار قرار گرفته و او را کنار گذاشته‌اند. هنگامی که پدر همسرش در سال ۱۹۸۰ کشته شد، حوزه نجف، هیچ کمکی به خانواده او نکردند و چنان که گویی هیچ اتفاقی نیفتاده بود، درس را ادامه دادند. زمانی که انتفاضه ۱۹۹۱ علیه رژیم صدام شروع به سرکوب کرد، ایران و ایالات متحده برای نجات آن یا ده‌ها هزار نفری که در گورهای دسته جمعی دفن شده بودند، مداخله نکردند. هنگامی که پدرش در سال ۱۹۹۹ کشته شد، احزاب از شر رقیبی که به نظر آن‌ها با رژیم همکاری می‌کرد، راحت شدند. در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴، هنگامی که او با اشغالگری ایالات متحده درگیر شد، مقامات مذهبی نجف از او حمایت نکردند و خوشحال بودند که جنبش او شکست خورد. در سال ۲۰۰۶، انشعاب در جنبش او ایجاد شد و ده‌ها گروه از ارتش مهدی ایجاد شد و سپس از آن‌ها برای تضعیف صدر استفاده کردند. در سال ۲۰۰۸، دولت عراق با حمایت ایالات متحده به جنبش وی در بصره، بغداد و جاهای دیگر حمله کرد، در حالی که احزاب شیعه نظاره گر آن بودند. حتی رهبر مذهبی ایشان آیت الله کاظم حایری نیز به او پشت کرد. حایری جانشین تعیین شده پدرش بود که پس



جنبش وحدت ملی ایرانیان

Iranian National Unity Movement - Iranische Nationale Einheitsbewegung

Page | 2

از سال ۲۰۰۳ به صدر مشروعیت مذهبی و پوششی برای فعالیت‌های سیاسی او داد، اما روابط آن‌ها در طول سال‌ها تیره شد. صبح روز ۲۹ اوت، حایری با انتشار بیانیه‌ای بسیار غیرمعمول، بازنشستگی خود را به‌عنوان یک مرجع دینی اعلام کرد، اقدامی که برای از بین بردن هرگونه مشروعیت صدر طراحی شده بود. اینجاست که تشدید خشونت در ۲۹ اوت با بخش بزرگتر داستان صدر همخوانی دارد. صدر که از مخالفانش برای تشکیل دولت ناامید شده، معتقد است که می‌تواند توده‌های خشمگین را کنترل و از فساد دولت جلوگیری کند، اما تنها در صورتی که بتواند سیستم را کنترل کند. او با بکارگیری نیروی صدری‌ها در بیست و چهار ساعت نشان داد اگر راه سیاسی‌اش را سد کنند، می‌تواند از راه خیابان وارد شود. رقیب اصلی پارلمانی صدر، چارچوب هماهنگی، بزرگترین ائتلاف شیعی در مجلس ملی و شامل بلوک دولت قانون نوری مالکی و بلوک نیروهای حشد الشعبی (به عنوان بازوی سیاسی الفتح) است. مشکل اینجاست که در حالی که آن ائتلاف نمی‌تواند سلطه صدر را بپذیرد، اعضای آن نیز جایگزین مناسبی برای او ندارند. احزاب کرد و سنی در حال حاضر برای پیوستن به هر یک از دو طرف مردد هستند و نمی‌خواهند در جنگ قدرت شیعیان آسیب ببینند. مشخص نیست چه اتفاقی می‌افتد. صدر حامیان خود را کنار کشید، اما راه حل سیاسی ارائه نکرد و حتی ممکن است ادامه اعتراضات را انتخاب کند. احزاب دیگر ممکن است تلاش کنند تا بدون او یک دولت تشکیل دهند. انتخابات زودهنگام به انحلال پارلمان و قانون انتخابات جدید نیاز دارد، چیزی که سازماندهی آن یک سال طول می‌کشد و پارلمان باید ابتدا تشکیل جلسه دهد، که فعلاً بعید است. با یک دولت ضعیف، فساد کنترل نشده و میلیون‌ها جوان بدون چشم انداز، پایانی قابل مشاهده نیست. با صدری‌ها یا بدون آنها، اعتراضات علیه نظام حاکم تا زمانی که اصلاحات جدی صورت نگیرد، همیشه محتمل است. صدر و رقبای او قبلاً با هم درگیر شده بودند. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸، صدری‌ها با بدر، یک سازمان شیعه مبارز طرفدار ایران که در دهه ۱۹۸۰ تأسیس شد، درگیر شدند. سپس برای چندین سال درگیری‌هایی بین صدری‌ها و عصاب اهل الحق، شبه‌نظامیان شیعه مسلح که در سال ۲۰۰۶ از ارتش مهدی صدریان جدا شدند، درگرفت. اما وضعیت امروز متفاوت است، زیرا از خشم و ناامیدی خالص و تلافی جویی بیرون آمده است. حایری در بیانیه ۲۹ اوت از صدر انتقاد کرد و مشروعیت او را در فعالیت سیاسی به چالش کشید. متعاقباً استعفای فرضی صدر باعث تهاجم عمیق‌تر به منطقه سبز شد، ابتدا به کاخ دولت و سپس در نزدیکی دفتر مالکی. محافظان آن منطقه با تیراندازی به سمت معترضان سعی کردند تا آن‌ها را عقب رانده و از تجاوز منصرف کنند، اما این منجر به تلفات و سپس واکنش مسلحانه و تشدید تنش شد. جالب اینجاست که نیروهای حشد شعبی به شیوه قابل توجهی که صدرها انجام دادند بسیج نشدند و از تلافی حملات به دفاترشان که شامل تیراندازی به مواضع آن‌ها و بمباران منطقه سبز بود، خودداری کردند. نیروهای امنیتی عراق، به



دستور مصطفی الکاظمی، نخست وزیر، با صدی‌ها درگیر نشدند، حتی زمانی که آن‌ها در حال پرتاب موشک به منطقه سبز بودند. این امر به این نظریه اعتبار می‌دهد که صدر تحریک شد تا به رویارویی کشیده شود که در آن گروهش به عنوان متجاوز و قانون شکن معرفی می‌شوند، و بیانیه حایری آخرین اقدام از یک سری اقدامات تحریک آمیز بود. بیانیه صدر برای خروج حامیانش از منطقه سبز، خشمگینانه، پشیمان کننده و پرشور بود - شاید فکر کنید او مرتکب اشتباه شده، اما قصد داشت دوباره بر گروهش کنترل پیدا کند. پس سرنوشت صدر چه می‌شود؟ او دوباره احساس می‌کند که توسط متحدان رها و از سوی احزاب و ملت‌های قدرتمند در محاصره قرار گرفته. اما او هنوز زمان دارد: او از دیگر رهبران سیاسی جوان‌تر است و حمایت مردمی او به او طول عمر سیاسی زیادی می‌دهد. اختلافات او با ایران باعث شده تا او در برخی موارد از حمایت داخلی و بین‌المللی برخوردار شود، اما او قصد ندارد به عنوان مهره در این مبارزه ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گیرد. صدر برای کارکرد نظم سیاسی کنونی و جلوگیری از فروپاشی آن، می‌خواهد بر آن مسلط شود و قدرت برخی احزاب دیگر را کاهش دهد. دلایل این کار نوع دوستانه نیست، بلکه به این دلیل است که فروپاشی سیستم منافع او را نیز تهدید می‌کند. با این حال، تغییر باید اتفاق بیفتد، و او به وضوح بیان می‌کند که اگر مخالفانش آن تغییر را به صورت تدریجی و کنترل شده اعمال نکنند، آنگاه به صورت ناگهانی و خشونت آمیز رخ خواهد داد. مردم عادی عراق به شدت از صدی‌ها، چارچوب هماهنگی و هر حزب سیاسی دیگر انتقاد می‌کنند و معتقدند که همه آن‌ها اجزای سیستم سیاسی فاسد هستند. چیزی که آن‌ها را ناامید می‌کند، ناتوانی دولت در حمایت از حاکمیت قانون است و اینکه چقدر دولت در برابر شبه نظامیان رقیب، نامرئی و ناکارآمد می‌شود. اما چیزی که آن‌ها را بیشتر نگران می‌کند این است که وضعیت تا چه حد می‌تواند خطرناک‌تر شود، اشتها برای خشونت در میان مردان جوان که چیزی برای از دست دادن ندارند، و تمایل احزاب برای مبارزه برای قدرت، حمایت و موقعیت‌ها حتی در صورت سوختن کشور. خوشبختانه هر دو طرف عقب نشینی کرده اند و تیراندازی و انفجار متوقف شده، اما هنوز هیچ راه حلی وجود ندارد. عراق ممکن است در حال حاضر آرام باشد، اما به مادران داغدار ده‌ها کشته در روز گذشته چه باید گفت.

پاینده ایران و ایرانی

دکتر فریبرز صارمی

همهانگ کننده جنبش وحدت ملی ایرانیان - ۰۴ سپتامبر ۲۰۲۲